

[This question paper contains 7 printed pages]

Roll No.

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

S. No. of Question Paper : 6223

Unique Paper Code : 209402

E

Name of the Paper : Classical Prose (b)

Name of the Course : B.A. (Hons.) Persian

Semester : IV

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note : Unless otherwise required in a question, answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following passages into English or Hindi or Urdu : 25

از متون زیر دو را به زبان انگلیسی یا ہندی یا اردو ترجمہ کنید :

(A)

طایفہ ای از دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند و منفذ کاروان بستہ، و رعیت بلدان از مکاید ایشان مرعوب، و لکشر سلطان مغلوب۔ بہ حکم آنکہ ملازی منبع از قلعہء کوهی گرفتہ بودند و ملجأ و ماوای خود ساختہ۔ مدبران ممالک آن طرف در دفع مضرت ایشان مشاورت بھی کردند کہ اگر این طایفہ ہم بر این نسق روزگاری مداومت نمایند، مقاومت ممتنع گردد :

P.T.O.

درختی که اکنون گرهت پای

به نیروی شخصی بر آید ز جای

و گر همچنان روزگاری هلی

به گردوش از بیخ بر نکلسی

سرچشمه شاید گرهتند به پیل

چو پرشد، نشاید گزشتن به پیل

سخن بر این مقرر شد که یکی به تجسس ایشان برگماشتند و فرصت نگاه می داشتند، تا وقتی که پسر سر قومی رانده بودند و مقام خالی مانده -

(B)

و امیر آن تیمور ملک بود که اگر رستم در زمان او بودی، جز غاشیه داری او نکردی، در میان جیحون که آب و در شاخ رفته است، حصاری بلند استحکام کرده بود و با هزار مرد کارزار، از گردنکشان نادر، دور آنجا رفته، چون لشکر بدانجا رسید، بر فور تمکن از حصار دست نداد، چون تیر و منجیق آنجا نمی رسید جوانان بختند راه حشر آنجا رانند و از جانب اترار و بخار او سمرقند و قصبه ها و دیه های دیگر که متخلص شده بود، مددی آوردند تا پنجاه هزار مرد حشری و بیست هزار مغل آنجا جمع گشت. تمامت را "دهه" و "صده" کردند آنچه که تا یک بودند، بر سر هر "دهه دهه" مغولی نامزد گشت تا پیاده از کوه به سه فرسنگ سنگ نقل می کردند و مغولان سواره در جیحون می ریختند -

(C)

یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تظاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده، تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند۔ چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تھی ماند و دشمنان زور آوردند:

هر که فریاد رس روز مصیبت خواهد

گودر ایام سلامت به جوانمردی کوش

بنده حلقه به گوش ارنوازی، برود

لطف کن لطف، که بیگانه شود حلقه به گوش

باری به مجلس او در کتاب، شاهنامه همی خواندند، در زوال مملکت ضحاک و عهد فریدون۔ وزیر ملک را پرسید: هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک و حشم نداشت چگونه بر او مملکت مقرر شد؟ گفت: آنچه آن که شنیدی خلقتی بر او به تعصب گرد آمدند تقویت کردند و پادشاهی یافت۔

2. Explain any *one* of the following passages :

15

از متون زیر فقط یکی را شرح کنید :

(A)

مردان دلاور از کمین به در جستند و درست یکان یکان بر کف بستند، و بامدادان به درگاه ملک حاضر آوردند۔ همه را به کشتن اشارت فرمود۔ اتفاقاً در آن میان جوانی بود میوه عنفوان شبابش نورسیده، و

سزۀ گلستان عذارش نو دمیده - یکی از وزرا پای تخت ملک را بوسه داد، و روی شفاعت بر زمین نهاد و گفت: این پسر هنوز از باغ زندگانی بر نخورده، و از ریعان جوانی تمتع نیافته - توقع به کرم و اخلاق خداوندی است که به بخشیدن خون او بر بنده منت نهد - ملک روی ازین سخن درهم کشید و موافق رای بلندش نیامد و گفت:

پر تو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است

تربیت نا اهل را چون گردگان برگنبد است

نسل فساد اینان منقطع کردن اولیتر است و بیخ تبار ایشان بر آوردن، که آتش نشاندن و اخگر گذاشتن و افعی کشتن و بچه نگاه داشتن، کار خردمندان نیست -

(B)

شیکی قوتو قو را باسی هزار مرد روان فرمود - چون سلطان به پروان رسید بعد از یک هفته لشکر مغل هنگام چاشتگاهی در رسید، سلطان هم در حال برنشست و مقدار یک فرسنگی پیش رفت و صف کشیدند و میمنه را به امین ملک سپرد میسره را به سیف الدین ملک اغراق و در قلب به نفس خود بایستاد و فرمود تا تمامت لشکر پیاده شدند و اسبان بردست گرفتند و تن بر مرگ نهادند و چون کثرت عدد جانب میمنه که به امین ملک مفوض بود زیادت از لشکر مغل بود، ده هزار سوار از مردان کارزار بر میمنه زدند و میمنه را از جای برداشتمند، از قلب و میسره مدد متواتر شد تا لشکر مغل را با مرکز بردند و از جانبین در این حملات بسیار کشته شد و بسیار مجادلت کردند -

3.. Reproduce any *one* of the following passages in simple Persian :

یکی از متون زیر را به فارسی ساده بازنمائید :

(A)

وزیر این سخن بشنید، طوعاً و کرهاً پسندید، و بر حسن رای ملک آفرین خواند، و گفت : آنچه خداوند—دام
ملک— فرمود، عین حقیقت است که اگر در صحبت آن بدان تربیت یافتی، طبیعت ایشان گرفتگی و یکی از
ایشان شدی— اما بنده امیدوار است که در صحبت صالحان تربیت پذیرد و خوی خردمندان گیرد که هنوز
طفل است و سیرت نغی و عناد در نهاد او متمکن نشده—

بایدان یار گشت همسر لوط

خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کعبه روزی چند

پی نیکان گرفت و مردم شد

این بگفت و طایفه ای از ندمای ملک باوی به شفاعت یار شدند تا ملک از سر خون او در گذشت و

گفت بخشیدم، اگر چه مصلحت ندیدم—

دانی که چه گفت زال به رستم

دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد

دیدیم بسی که آب سرچشمهء خرد

چون بیشتر آمد شتر و بار ببرد

(B)

چنگیز خان را از خواتین و سراری، فرزندان — ذکوزا و اناشا — بسیار بودند و خاتون بزرگتر یسوجین
 بیکی بود و در رسم مغل اعتبار فرزندان یک پدری به نسبت مادران باشد، مادر هر کدام بزرگتر به نسبت،
 آن فرزند را مزیت و رجحان باشد و ازین خاتون چهار پسر بود که به صدر عظیم امور و جلال کار
 های با خطر گشته بودند و تخت مملک را به مشابت چهار پایه و ایوان خانی را به محل چار زکن بودند. چنگیز
 خان هر یکی از ایشان را به امری مخصوص اختیار کرده بود: بزرگتر توشی در کار صید و طرد، که نزدیک
 ایشان کاری شگرف و پسندیده است، و جنگی را که از او فروتر بود در تنفیذ یاسا و سیاست و التزام
 آن و مواخذت و عقاب بر ترک آن گزیده، و او کتای را به عقل و رای و تدبیر مملک اختیار
 کرده.

4. Write short note on any *one* of the following topics :

10

گزارش کوتھای دربارهٔ یکی از عنوانھای زیر بنویسید :

(۱) احوال تیمور ملک

(۲) حکایت طایفه ای دزدان

(۳) گلستان سعدی

5. Write a short note on the life and works of Ata Malik Juwaini or Shaikh Sadi

Shirazi.

10

گزارش مختصری دربارهٔ احوال و آثار عطا ملک جوینی یا شیخ سعدی شیرازی بنویسید۔